

تعارف: آقای موبد فیروز آذر گمشب

ترجمه آیاتی از گاتها

در این شماره مجله ارجمند ارمنان یکی دیگر از آیات گاتها یعنی آیه هشتم از فصل سی و دوم یسنا را مورد بحث قرار خواهیم داد و ضمن مقایسه ترجمه استاد بارتولومه با ترجمه دکتر تارا پور و الارانشان خواهیم داد که خاورشناس معروف آلمانی تا چه اندازه معانی واژه‌های اوستا را سطحی گرفته و از مرحله پرت شده و حقیقت مفهوم آیه مقدس را دگرگون ساخته است - این آیه مربوط است به جمشید شاهنشاه معروف پیشدادی که بعلمت ضبط و اشتباه از روی غرور و خودپسندی خود را خدا خواند و مورد قهر و غضب پروردگار قرار گرفت و ضحاک را بر او چیره ساخت. قبل از اینکه توضیح بیشتری در این مورد بدهیم لازم میدانم مقدمتاً برای روشن شدن موضوع مفاد پنج آیه قبلی را نیز بطور اجمال در اینجا ذکر کنم:

در آیات سوم تا هفتم یسنا (۳۲) (اهنود گاتها) راجع به بزهکاران و اشخاصی که در زمره بدکاران محسوبند و همچنین راجع به اینکه چگونه کردار آنها در روز حساب و شمار داوری خواهد شد شرحی آمده است که در زیر از نظر خوانندگان محترم خواهد گذشت.

ای دیوان و بت پرستان و ای کسانی که اهریمن بدکنش و کج اندیش نابکار شمارا گمراه کرده است بطور مسلم کردار مزورانه و اعمال ریاکارانه و دور از حقیقت شما از خود خواهی و دروغ سرچشمه گرفته - شما موجب تباهی و فساد این جهان گشته و مورد تنفر و انزجار مردم میباشید. شما نیکوکاران را از راه راست منحرف میسازید و بهمین جهت است که اشخاص شرور و بدطینت را دوستان و حامیان اهریمن نامیده‌اند - این سیه روزگاری که دوستدار اهریمن و طرف توجه وی اند کسانی هستند که از نیک اندیشی روگردانند و رفتارشان برخلاف نظم طبیعت و اصول راستی

و پاک‌گی است و به احکام مقدس اهورائی و مبانی اخلاقی توجیهی ندارند - دیو دروغ و اهریمن نابکار انسان را از یک زندگانی مرفه و خوش و خرم و سعادت جاودانی محروم میکند و با حیل و تزویر و وعده و وعید و وسوسه مقام و شهرت او را می‌فریبد و زندگی‌اش را تباہ میکند. گرچه شخص فریب خورده و گناهکار ممکن است چند صباحی شاهد موفقیت را در آغوش کشد و حتی بمقام و شهرتی نیز نایل آید ولی از آنجائیکه اهورامزداى دانا و توانا واقف بر اسرار درونی همه کس است و هیچ انگیزه نیک و بدی از نظر او پنهان نمی‌ماند بالاخره قانون راستی و درستی و عدل و انصاف در جهان اجرا گشته و قضاوت پروردگار انجام خواهد شد - متأسفانه این بزهاران و فریب خوردگان کسانی هستند که نمیدانند ترقی و تکامل تنها در اثر کار و کوشش میسر است و مردانه زندگی کردن و در مقابل شدايد و سختیها ایستادگی نمودن بزرگترین آزمایشی است که شبیه گذشتن از فلز گداخته میباشد (آزمایش فلز گداخته آزمایشی بود که در ایران باستان برای اثبات بی گناهی شخص متهم مجبور بود فلز گداخته را بر روی سینه خود تحمل کند) و در این کوره زندگی است که استعداد و صفات عالیہ شخص صیقلی شده و انسان کارگشته و مجرب میگردد .

اشوزرتشت پس از شرح فوق و بر شمردن گروه بزهاران در آیه هشتم فصل ۳۲

یسنای چنین میفرماید :

« جمشید پسر و یونگهان مشهور یکی از همین بزهاران است که برای خشنود ساختن مردم چیزهای جالب و مفید در جهان پدید آورد ولی ای اهورامزدا در روز شمار و داوری حساب مرا از او جدا ساز.»

بطوریکه از مفاد آیه فوق ملاحظه خواهند فرمود یمه یا جم یعنی جمشید شاهنشاه مقتدر و مشهور کیانی با آنهمه خدماتی که برای رعایای خود انجام داد و زحماتی که در راه مستقر ساختن امنیت و آسایش در سراسر کشور متحمل گردید و

خلاصه با وجود کارهای خطیری که از لحاظ آبادانی و بهداشتی و فرهنگی انجام داد معینا در گاتها اورا جزو گناهکاران شناخته است. در قسمتی از اوستا راجع بتشریح اوضاع زمان جمشید می نویسد :

« در زمان این شهریار نامی کینه و دشمنی و حرص و آز، حقد و حسد، درد و رنج، بیماری و مرگ و پیری و ناتوانی وجود نداشت. همه مردم از پیر و برنا در کمال خوشی و راحتی و سعادت و سلامت و وفور نعمت بسر میبردند و از لحاظ قدرت و حرارت مانند جوان پانزده ساله ای بنظر میرسیدند. » -

حال به بینیم بچه علت جمشید را که برای خشنودی مردم از هیچ گونه فداکاری و خدمت به بشر و پدید آوردن چیزهای جالب و شگفت چه از حیث پوشیدنی و خوردنی و چه از حیث دیدنی و شنیدنی کوتاهی نکرد گناهکار دانسته است. علت این امر را فردوسی طوسی در شاهنامه بطور وضوح خود ستائی و تکبر ذکر کرده است چنانکه میدانیم جمشید در اواخر سلطنت از شکوه و جلال و قدرت و ابهت خویش غره گردید و خود را خداوند زمین و زمان خواند و بمردم گفت :

گرایدون که دانید من کردم این
 مرا خواند باید جهان آفرین
 همه موبدان سرفکنده نگون
 چرا کس نیارست گفتن نه چون
 چو این گفته شد فریزدان از اوی
 گسست و جهان شد پراز گفتگوی
 و دوسطر بعد باز مینویسد :

بجمشید بر تیره گون گشت روز
 همی کاست زو فر گیتی فروز

با خود ستائی جمشید فر ایزدی از او گرفته شده و در ردیف اشخاص گناهکار قرار گرفت در قسمت آخر این آیه زرتشت میفرماید پروردگارا در روز شمار و رسیدگی بحسابها و انجام داوری آنطور که درباره کردار جمشید قضاوت کردی در مورد من قضاوت مکن .

پروفسور بارتولومه خاور شناس آلمانی آیه مزبور را بشرح زیر ترجمه کرده است :

« آشکار است که جم پسر و یونگهان از همین گناهکاران است کسی که برای خشنود ساختن مردمان خوردن گوشت بآنان آموخت در آینده توای مزدا بایدمیان من و او خود قضاوت کنی »

چنانکه خوانندگان محترم ملاحظه خواهند فرمود استاد بارتولومه و برخی دیگر از خاورشناسان غرب علت سقوط جمشید را به ورطه بدنامی و قلمداد شدن وی را در زمره بزهکاران تعلیم گوشت خوردن ب مردم دانسته اند در صورتیکه در هیچ جای اوستا و یا سایر مدارک دینی زرتشتیان کوچکترین اشاره ای که دلالت بر این امر داشته باشد نشده است - تازه گوشت خوردن را نمی توان گناه شمرد و آن را جرمی نابخشودنی دانست اگر اینطور باشد پس همه مردم جهان را باستثنای سبزی خواران باید گناهکار شمرد و این امری است غیر منطقی - متأسفانه خاورشناسان مزبور در ترجمه عبارت « **مائوش بگا خارمنو** » دچار اشتباه شده اند و کلمه گائوش را که شکل دیگر گئوش است (و در شماره اول مجله شریفه ارمغان مورخ فروردین ماه ۱۳۴۱ تحت واژه گئوش اوروان توضیح داده شده) بجای جهان و مردم جهان گاو و گوشت گاو ترجمه کرده اند. ضمناً واژه بگارا تکه گوشت و «خارمنو» را که بمعنی روشنائی بخش و درخشان و جالب است خوردن گرفته اند و تصور کرده اند اول کسی که گوشت خوردن را به مردم آموخت جمشید بوده است و این امر سبب رنجش پروردگار از او شده است .

دکتر هاوگ (Dr. Havg) تنها خاورشناسی است که عبارت اوستائی بالا را بمعنای حقیقی آن گرفته و ترجمه کرده است : « جمشید کسی است که يك قسمت از جهان را روشنائی بخشید یعنی آباد و خرم ساخت »